

بازی‌های سال‌های دور پایتخت

تهرانی‌ها در ابداع بازی و اختراع وسایل آن پیشینه طولانی دارند؛ آن قدر که محدوده بازار شهری بزرگ‌ترین کانون ساخت و فروش انواع وسایل بازی بود. بازی‌های قدیم ریشه در روحیه جمعی و مشارکت مردمان آن روزگار داشت. سادگی و استفاده از حداقل وسایل مورد نیاز در خلق یک بازی از ویژگی‌های بازی‌های قدیمی تهران بود. بازی‌ها اغلب در کوچه و باغ برگزار می‌شد و بسزانه دخترانه داشت. نکته جالب اینکه بسیاری از این بازی‌ها محدوده سنی نداشته زنان و مردان در هر سن و سالی محض تفریح و سرگرمی بازی می‌کردند. از الکل دولک، هفت‌سنگ و گردویازی گرفته تا انواع بازی‌های خاص بامبک بازی، قلعه بازی، بازی آبی‌نسا، تشک بازی و بسیاری از بازی‌های دیگر که در این ویژه‌نامه درباره آنها نوشته‌ایم. نصرالله حدادی (تهران پژوه)، مهرشاد کاظمی (تهران پژوه)، محمدحسین ناصرخت (پژوهشگر هنر)، عباس حسینی (نویسنده و پژوهشگر)، جواد انصافی (بازیگر و پژوهشگر)، علی صالحی (پژوهشگر شمیران)، سیدرسول امینی (پژوهشگر و نویسنده)، محمدتقی هاشمی (پژوهشگر محله دولاب)، احترام فدایی (دختر کدخدای پونک) و سیدابوالقاسم میرمحمد میگوینی (پژوهشگر محله) درباره بازی‌های تهران قدیم با ما گفت‌وگو کرده‌اند.



بگرد و پیدا کن!



نام: باقالی به چند و کوچه‌مال
موقعیت: دولاب

باقالی به چند و کوچه‌مال بازی‌هایی است که خاطرات کودکی و نوجوانی پیران محله دولاب با آن گره خورده؛ کوچه پس کوچه‌هایی که هر چند امروز در و دیوارش زنگار گرفته و ساکنانش به دنبال جای پارک ماشین هستند، روزگاری نه چندان دور توسط کودکان قرق می‌شد. سیدتقی هاشمی دولابی، ساکن قدیمی و پیشکسوت محله دولاب از بازی‌های قدیمی این محله نام می‌برد که اغلب آنها برای کودکان امروز ناشناخت. محمدتقی هاشمی دولابی درباره این بازی‌ها و نحوه انجام آن می‌گوید: «وقتی صحبت از بازی گروهی به میان می‌آمد، بچه‌ها «باقالی به چند» را پیشنهاد داده و بازی می‌کردند. بازی باقالی یا باقاله به چند من، ابتدا دو نفر به عنوان اوستا انتخاب می‌شدند و یار کشی می‌کردند. سپس با شیر یا خط تیم پاسخگو مشخص می‌شد. در ادامه بازی، اوستای گروه «اول»، عددی را در گوش اوستای گروه «دوم» می‌گفت. سپس از هر گروه یک نفر جلو می‌آمد و با هم کل کل می‌کردند.

حالا بازیکن گروه «دوم» باید عدد اوستای «گروه اول» را حدسی می‌زد و مثلاً می‌گفت: باقالا به چهار من. طرف می‌گفت: ده من، می‌گفت: پایین. این قدر این مرادوه ادامه پیدا می‌کرد تا به عدد واقعی می‌رسیدند. اگر درست گفته بود، نفرات گروه دوم باید به نفرات گروه اول از سر کوچه تا انتهای کوچه کولی و سواری می‌داد. اگر ۳ نفر از اعضای گروه اول عدد را اشتباه می‌گفتند، علاوه بر آنکه جای دو گروه

حیاط‌ها می‌چرخیدند و همه با هم بازی می‌کردند. کوچه‌مال به این شکل اجرا می‌شد که یک گروه می‌گفتند بریم جایی را علامت بگذاریم. می‌آمدند پشت یک درخت را با گچ مثلاً ده خط، می‌کشیدند. پشت آن دیوار هم مثلاً آن یکی، دو تا خط می‌کشید. بعد از انجام این کار گروه دوم باید نقاطی را که گروه اول خط کشیده و نشان کرده بودند، پیدا می‌کردند و وقتی که پیدا می‌کردند می‌گفتند: «کوچه‌مال» کجاست؟ می‌گفتند: اینجاست و این را ما پیدا کردیم. مثلاً می‌گفتند: چند جا قایم کردی؟ می‌گفتند: ۵ جا و باید این ۵ جا را پیدا می‌کردند. بعضی‌ها ۴ تا پیدا می‌کردند و برخی ۲ تا. این مهم بود که بتوانند همه نقاط خط‌کشی شده را پیدا کنند. اگر نمی‌توانستند، امتیاز از دست می‌دادند.»

عوض می‌شد، این بار گروه اول باید گروه دوم را کول می‌کرد. تقریباً این بازی برای بچه‌های ۱۰-۱۲ ساله بود و در واقع کسانی که می‌توانستند آن را انجام بدهند.»

اما نوجوانان و جوانان محله دولاب «کوچه‌مال» بازی می‌کردند. اغلب بازی‌های بچه‌های محله دولاب گروهی بود و این نشان از اتحاد و همبستگی آنها داشت. هاشمی از بازی دیگر جوانان این محله می‌گوید: «بازی‌های جوانان محل اغلب گروهی بود و معمولاً چندین نفر در بازی حضور داشتند و از طرف دیگر حیاط‌های آن موقع برخلاف اکنون بزرگ و چند حیاط «تودرتو» داشت. یک قسمت برای گوسفند، یک قسمت برای الاغ، یک قسمت انبار گاه بود که به آن کامبار می‌گفتند. این بچه‌ها یا جوان‌ها در این

هیجان و کولی دادن بعد از شیراندوش بازی



نام: شیراندوش و بامبک
موقعیت: سلیمانیه و صد دستگاه و قلعه اصفهانک

«شیراندوش» نام بازی‌ای است که روزگاری میان بچه‌های دیروز و سالمندان و میانسالان امروز محله سلیمانیه، صد دستگاه و قلعه اصفهانک طرفداران پروپاقرصی داشت. سیدتقی هاشمی از پیشکسوتان این محله نحوه انجام این بازی را تعریف می‌کند و می‌گوید: «نفرات و شرکت کنندگان در این بازی به دو دسته تقسیم می‌شدند. یک دسته پایین و یک دسته بالای کوچه می‌رفتند تا از همدیگر فاصله داشته باشند. دسته اول پشت یک دیوار یا چاله‌ای قایم می‌شدند، (آن موقع چاله در کوچه پس‌کوچه‌های محله زیاد و هر کدام حدوداً ۳ متر گود بود) و گروه بعدی که می‌آمدند می‌گفتند «شیر اندوش» منظورشان این بود که ما آمدیم شما را پیدا کنیم. اینها می‌رفتند و می‌گشتند و نفرات گروه اول را پیدا می‌کردند. گروه بازنده باید به گروه برنده کولی می‌داد. (شیراندوش به معنای پیدا کردن شی یا فرداست که در این بازی بازیکنان گروه اول وقتی ششی را پنهان می‌کنند، می‌گویند «شیراندوش» یعنی کجاست؟ و گروه مقابل در صورت پیدا کردن، جواب می‌دهند «اینجا بوش» یعنی اینجاست و آن را پیدا کردیم.) ما دوران کودکی مان را با این بازی‌ها گذرانیدیم. چه بازی‌هایی بود که بچه‌ها را از درس می‌انداخت از بس که شیرین بود، مشق شب داشتند اما می‌گفتند الان می‌ریم. مثلاً اگر قرار بود ساعت ۵ به خانه بروند ساعت ۸ می‌رفتند و مشق‌ها و درس‌هایشان می‌ماند. ولی الان همه در خانه هستند و کسی بیرون بازی نمی‌کند و همه پشت کامپیوتر و گوشی نشسته‌اند.»

بامبک هم یکی دیگر از بازی‌های نوجوانان و کودکان تهران قدیم بود. نخستین بازیکن از جمع بازیکنان پیش می‌آید و دو زانو روی زمین می‌نشیند. توپی را که قطر آن حدود ۱۰ سانتی‌متر است، در دست گرفته و آن را به زمین می‌زند، توپ پس از برخورد به زمین بالا آمده و بازیکن با ضربات کف دست خود، آن را دوباره به زمین می‌زند و ضربات را ادامه می‌دهد تا زمانی که توپ از دست وی رها شده و ضربات قطع شود. بعد از آن یک بازیکنان مهارت خود را می‌آزمایند. بازیکنی که تعداد ضربات او بیش از دیگران باشد، برنده بازی شناخته می‌شود. در این بازی هر ضربه توپ را یک «زی‌یک» می‌گفتند.

بازنده کولی می‌داد، برنده میوه تازه می‌خورد



نام بازی: توپ، اره، اره
موقعیت: تجریش، قیصریه و دزاشیب

روزگاری شمیران به چند بادیه محدود بود. در اطراف تجریش و دزاشیب و قیصریه تا چشم کار می‌کرد زمین‌های خالی و مزارع پوشیده از گندم و جو دیده می‌شد. اوقات فراغت و بازی بچه‌ها اغلب در همین زمین‌های خالی و بسا بازی‌های گروهی می‌گذشت. گاهی بچه‌های یک محله همبازی هم می‌شدند و گاهی هم با بچه‌های محله‌های همجوار گروه‌های چند نفره تشکیل می‌دادند و جوایزی خوشمزه برای گروه‌های برنده تعیین می‌کردند.

علی صالحی، پژوهشگر شمیران، خاطرات بسیاری از بازی‌های گروهی بچه‌های شمیران دارد که یکی از آنها را با نام «توپ، اره، اره» برایمان تعریف می‌کند که با کمترین وسیله انجام می‌شد. توپ و تکه چوبی که معمولاً تنه خشکیده درختان شمیران بود ابزار یک بازی هیجانی را در زمین‌های خالی شمیران رقم می‌زد: «این بازی به صورت گروهی و در دو دسته برگزار می‌شد. تعداد نفرات هر چه بیشتر بود، هیجان بازی هم بیشتر می‌شد. به یاد دارم که برای بازی «توپ، اره، اره» به زمین‌های خالی اطراف تپه قیصریه می‌رفتم. آنجا فضای وسیع‌تری از تجریش داشت و این بازی گروهی را می‌توانستیم

به راحتی بازی کنیم. دو دسته ۵ تا ۱۰ نفره تشکیل می‌دادیم و با فاصله زیادی از هم و در مقابل هم ردیف می‌شدیم. یک نفر از دسته اول توپ ماهوتی را بالا می‌انداخت و به سمت گروه مقابل با چوب به توپ ضربه محکمی می‌زد. هر یک از اعضای گروه مقابل که توپ را می‌گرفت، گروه برنده بود. اما اگر کسی از اعضا نمی‌توانست توپ را بگیرد، کل گروه بازنده بود و باید افراد گروه رقیب را کول می‌گرفتند و به طرف زمین مقابل می‌بردند.»

صالحی درباره جوایز این بازی هم می‌گوید: «بازی‌های گروهی هیجان بسیاری داشت و همین برامان کافی بود، اما گاهی هم جوایزی برای گروه برنده در نظر گرفته می‌شد، مثل کمک در چیدن محصولات باغی یا هدیه‌ای مانند میوه‌هایی تازه و خوشمزه‌ای که باغ‌ها داشتند. اغلب پدرها پیمان باغدار بودند یا زمین‌های زراعی داشتند، اما این جایزه‌های خوشمزه که پاداش برنده شدن در یک بازی محلی بود، خیلی به کاممان شیرین می‌آمد.»